

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر پزشکیان

از آنجا که توفیق ملاقات حضوری با شما را نداشتیم، به عنوان همکار چهار ساله در مجلس یازدهم، خواستم درد و دلی صادقانه با حضرتعالی داشته باشم.

آقای پزشکیان، دوره ریاست جمهوری شما، یکی از سخت ترین دوران که با ترور شهید هنیه، جنگ دوم ۱۲ روزه همراه با شهادت فرماندهان، سرداران و مردم تا جنگ سوم که همراه شهادت دانش آموزان، سرداران، رجال سیاسی و در رأس آن، امام شهیدمان همراه بود.

همه می دانند، جنگ الزامات و اقتضائاتی نظیر کمبودها، کاستی ها در حوزه انرژی، کالاهای اساسی، ناآمنی و.... به دنبال دارد، حقیقتاً جای تشکر و قدردانی از مدیریت دولت در تأمین نیازهای اساسی، تأمین امنیت و آرام بخشی در سطح جامعه بودیم به گونه ای که ما هیچ گونه کمبودی در کالاهای اساسی یا تشکیل صف در مغازه ها، نانوائی ها و پمپ بنزین ها مشاهده نکردیم. این تدبیر زیبای حضرتعالی و دولت شما، در زمان جنگ قابل تقدیر، تحسین برانگیز و غیر قابل انکار است.

لازم دیدم در کنار تلاش های شبانه روزی دولت مردان، نکاتی چند متذکر شوم.

۱- هدف از انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی که شما دولتمردان، مدیر اجرایی آن هستید، چیست؟

هدف از تشکیل جمهوری اسلامی، إقامة ی حکم الهی و دین الهی است، باید حاکمیت دین خدا تحقق پیدا کند، والا چه ضرورتی داشت، انقلاب شود و پهلوی خائن را بیرون کنیم.

امام شهید خامنه ای در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۹۵ می فرمایند:

« ما اگر چنانچه دنبال إقامة ی حکم الهی و دین الهی نباشیم، چرا اینجا هستیم.....، خب، همان هایی که بودند یا آنها یا امثال آنها بیایند اداره کنند حکومت را، ما هستیم برای این که، می خواهیم دین خدا را تحکیم کنیم، حاکمیت دین خدا باید تحقق پیدا کند.....، این است که اگر چنانچه کسی در راهش کشته شد، شهید در راه خداست، این است که مردم ما جوان هایشان را

این جور سخاوتمندانه دادند و هنوز هم دارند می دهند والا اگر این نبود، خُب رونق اقتصادی را دیگران و دیگران (انجام می دهند)..... خوب دیگران این کارها را می توانند بکنند و انجام دهند، در دنیا هم دارند، انجام می دهند، اگر بحث دین خدا و تحکیم دین خدا و حاکمیت الهی نباشد، بودن من و شما در اینجا اصلاً ضرورتی ندارد»

آقای رئیس جمهور، خدا و کیلی چقدر از مجموعه دولت، توجه به این هدف دارند و چند درصد از دولت مردان، با این رویکرد خدمتگزارند!!!!؟

ممکن است خود حضرتعالی، واقف به این هدف باشید، اما عمل کرد همکاران شما در دولت، خلاف آن را نشان می دهد، چه بسا برخی از رفتارها، گفتارها، رویکردها و عملکردها بر خلاف نص صریح دین خدا و بر خلاف اقامه ی حاکمیت خداست.

مخالفت با نظر صریح ولی أمر مسلمین جهان به بهانه اقدام به نظر کارشناسان، یا اعلام این که، دوره فصل الخطاب فرد و یک شخص گذشته و اگر همه باید تبعیت از ولایت کنند، چه ضرورتی به نظر کارشناسان و دستگاه هاست و، نمونه هایی از عدم آگاهی و جهل برخی دولت مردان نسبت به هدف جمهوری اسلامی است!!!

دغدغه بعضی از همکاران شما مبنی بر آزادی پوشش و عدم توجه به سلامت معنوی و بهداشت روانی جامعه و ممانعت از اجرای قوانین پوشش عمومی و رهاسازی ولنگاری و بدحجابی که بر خلاف نص صریح امام شهید که آن را حرام شرعی و سیاسی خواندند، نمونه ای از عدم توجه همکاران شما در دولت به اهداف انقلاب و جمهوری اسلامی است. جالب است در بعضی از دولتی ها، خبری از ظاهر اسلامی نیست، یعنی ظواهر اسلامی را رعایت نمی کنند چه رسد به تحکیم و اقامه دین خدا. دغدغه ی موتورسواری بانوان و کسب درآمد از توریسم و گردشگران به هر قیمتی و نادیده انگاشتن برائت از دشمنان قسم خورده و مستکبر که کمر به نابودی جمهوری اسلامی بستند و، شواهدی است بر این که، همکاران شما هدف جمهوری اسلامی را گم کرده یا عامداً و عالماً نشناختند، که ضرورت دارد جهت عمق بخشی معرفت دینی و توجه به اهداف نظام اسلامی چاره اندیشی نمائید والا ضرر و زیان آنها خسارت بار و جبران ناپذیر است.

این جمله از سخنان امام خمینی(ره) را هرگز نباید فراموش کرد که فرمودند: مسئولان جمهوری اسلامی اگر به فکر ایجاد حکومت جهانی حضرت حجت نباشند خائن و خطرناکند، حتی اگر به مردم خدمت کنند.

آقای پزشک‌پژشکیان از یکی دولتمردان سؤال شد، چند درصد از شما در دولت، به فکر ایجاد حکومت امام زمان هستید، گفت بیش از ۹۹ درصد در این وادی نیستیم!!! چه بسیار بر خلاف ظهور امام زمان عجم گام برمی‌دارند.

نگارنده معتقد است: که اگر دولتمردان از اول انقلاب تا کنون گوش شان به دهان ولایت بود و اطاعت پذیری مطلق از نایب امام زمان عجم داشتند، قطعاً راه ظهور نزدیک‌تر و مشکلات کنونی از جنگ، شهادت رهبر عزیز و به مراتب کمتر بود، موانعی که برخی از دولت‌ها در مسیر انقلاب و حرکت جمهوری اسلامی به‌سوی قله ایجاد کردند، راه ظهور را دورتر و مشکلات کشور را بیشتر نمودند.

۲- آقای مسعود پزشک‌پژشکیان، به‌نظر شما، چرا آمریکا دنبال براندازی و نابودی جمهوری اسلامی است، چه چیزی آمریکا را از تصمیم نابودی ایران منصرف می‌کند؟

علل متعددی می‌توان، برای تصمیم آمریکائی‌ها در رویارویی با ایران برشمرد ولی ساده‌انگاری است که نفوذ منطقه‌ای ایران، رویش مقاومت، دستیابی به انرژی هسته‌ای، دستیابی به فن‌آوری‌ها و تکنولوژی‌های پیشرفته در زمینه‌های مختلف که رتبه ایران را در جهان تک‌رقمی ساخته، استقلال ایران از وابستگی و..... عوامل عصبانیت آمریکایی‌ها باشد، زیرا این عوامل که چهل سال پیش نبودند ولی آمریکائی‌ها از اول انقلاب درصدد براندازی جمهوری اسلامی بودند. برخی دولت‌های گذشته در جمهوری اسلامی دچار این خطای محاسباتی شدند یکی هسته‌ای را مزاحم می‌پنداشت، خواست با توافق برجام آمریکا را سر جایش بنشانند، دیگری موشک‌ها را مانع صلح با آمریکا می‌دانست و می‌گفت دوران موشک‌ها گذشته است زمان گفتگوهاست، یکی می‌گفت کاهش نفوذ منطقه‌ای و خروج از لبنان، سوریه، عراق راه را برای صلح با آمریکا فراهم می‌کند، یکی شعارهای تند و انقلابی‌گری و مرگ بر آمریکا را مانع آشتی می‌دانست و پیشنهاد جهانی سازی و عادی سازی ایران را می‌داد و.....

این ساده اندیشی و خطای محاسباتی متأسفانه در همکاران و مشاوران شما در دولت بسیار برجسته و پر رنگ است، وقتی به دستگاه محاسباتی شما، اطلاعات غلط بدهند طبیعی است بر اساس داده‌های غلط، نتیجه‌گیری غلط حاصل می‌شود. دستگاه ذهن و فکر انسان استنتاجش بدیهی است، بر اساس داده‌ها، نتیجه‌گیری می‌کند.

این خطاست کسی بگوید اگر ما دست از هسته‌ای برداریم، آمریکا دست از سر ما برمی‌دارد. باز شدن تنگه هرمز هرگز آمریکا را از نابودی ایران منصرف نمی‌کند، إعطای نفت ایران، گاز ایران، بخشی از خاک ایران به آمریکا و.....، هرگز آمریکائی‌ها دست از براندازی بر نمی‌دارند. به همکاران‌تان در دولت بگوئید کد اشتباه ندهند، که نتیجه غلط خواهند گرفت.

آمریکا با انقلاب اسلامی مشکل دارد، آمریکا می‌گوید جمهوری اسلامی نباید باشد، او با اسلام و حاکمیت دین خدا مشکل دارد.

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۖ (۱۲۰ بقره)

هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، (تا به طور کامل، تسلیم خواسته‌های آنها شوی، و) از روش آنان، پیروی کنی.

.....وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ..... (۲۱۷ بقره)

...اینها همواره با شما می‌جنگند تا شما را اگر بتوانند از دین‌تان برگردانند.

آقای رئیس‌جمهور، شما که ۴۷ سال در انقلاب بودید، این مطلب را با عمق جانتان، درک می‌کنید، لذا لازم است به همکاران و مشاوران در دولت متذکر شوید که آمریکا به هیچ چیز جز تسلیم و براندازی فکر نمی‌کند و خواهان نابودی ایران اسلامی است. بخشش هسته‌ای، تنگه هرمز، نابودی موشک‌ها، تعطیلی مقاومت و....، برای آمریکا در حد و قواره پاداش یک آبنبات است که آهنگ تسلیم و نابودی ایران را در پی دارد.

آقای پزشک‌های این موضوع اهمیت ویژه‌ای در یکپارچگی، انسجام و اتحاد ملت دارد، شما که سخن از وفاق می‌گوئید باید رخنه‌های اختلاف و تفرقه را مسدود کنید یکی از عوامل شکاف و چند

دستگی در کشور فهم اهداف شوم دشمن است که می‌طلبید، جلساتی را برای همکاران در دولت به این مهم اختصاص دهید، بصیرت و دشمن شناسی و دستیابی به نیت های پلید آمریکا، رمز و راز وحدت و انسجام ملت است.

۳- آقای رئیس جمهور، واقعاً اصل شایسته سالاری و تخصص گرایی را در گزینش همکاران مراعات نمودید؟

آقای پزشک‌یان علی‌رغم این‌که، بارها گفتید من حزبی نیستم، ولی بیش از ۹۹ درصد همکاران شما _اگر نگوئیم حزبی و جناحی_ از تفکر اصلاح‌طلبان گزینش شده‌اند. البته طبیعی است که انسان، همکارانش را از طیف فکری خودش انتخاب کند و این تغییر از رأس هرم تا قاعده جاری است، استانداران فرمانداران، مدیران کل، رؤسای ادارات، آموزش و پرورش و..... همه تغییر پیدا کردند. البته این یک سیره غلط و عادت ناپسندی است که معمولاً در همه دولت‌ها، کم و بیش جاری و ساری است، ولی در دولت شما، خیلی پر رنگ و برجسته است، البته همه می‌دانند شما به همه انتصابات از صدر تا ذیل در کشور اطلاع ندارید، این طبیعی است که از کوزه همان برون‌طراود که در اوست، بر اساس تفکر اصلاح‌طلبان، چپ‌نش انتصابات در کشور شکل می‌گیرد، بنابراین، ممکن است و قطعاً چنین است که مدیران شایسته‌تر، متخصص‌تر، قوی‌تر، متدین‌تر و کارآمدتر در کشور وجود داشته باشند، ولی چون از طیف فکری و جناح شما نیستند، علی‌رغم این‌که آنها را می‌شناختید، انتخاب ننمودید و کشور را از خدمات آنها محروم ساختید، که این مسأله با شایسته‌سالاری و قسط و عدلی که در نهج‌البلاغه از آن دم می‌زنید، منافات دارد. برای نمونه چقدر مسأله انتخاب معاون رئیس‌جمهور در امور توسعه روستایی و مناطق محروم کشور سخت، دشوار و قحط‌الرجال است، که آن را منحصر در نماینده مجلس می‌دانید که به تازگی انتخاب شده است، و علی‌رغم مخالفت مجلس با این انتصاب، برای دومین بار رأی‌گیری مجلس موفق شدید، مردم نقده و اشنویه، که ایشان را به‌عنوان نماینده انتخاب کرده بودند، سال‌ها فاقد نماینده سازید تا یک نفر از اصلاح‌طلبان را به دولت وارد سازید.

خدا و کیلی، از وجدان خودتان سؤال کنید، نیت حضرتعالی در این انتخاب، خدایی بود، حزبی بود، شایسته سالاری بود و..... واقعاً چه نیتی داشتید؟

خیلی مایل نیستم در خصوص انتصابات، که حق قانونی حضرتعالی است، ورود کنم والا مثنوی هفتاد من کاغذ می شود!!!

غرض توجه به نکته مهمی است، شما که دغدغه وفاق و همدلی را دارید، باید رخنه های تفرقه، تشطط را ببندید و راه های همدلی و همراهی را باز نمائید. وحدت و انسجام، راه دو طرفه است، نمی شود آن را یک طرفه ترسیم نمود، فقط با اصلاح طلبان بودن، فقط از آنها انتخاب نمودن، به آنها میدان و تریبون دادن و از سوی دیگر دم ار وفاق زدن یک تعارض و پارادوکس است.

برای ایجاد وحدت باید الگوی شما، سیره قائد شهید، امام خامنه ای ره باشد که وحدت واقعی را طبق اصول و موازین دینی به نمایش گذاشت نه بر اساس رضایت جناح خاص، صنف خاص یا جنس خاص. یکی از مشاورین شما می گفت: آقای پزشکian به زنان میدان داد و گفت هر پوششی خواستید داشته باشید، این رویکرد در رضایت بخشی زنان و وحدت و همدلی خیلی نقش داشت، ولو جمع زیادی از زنان متدین، رنجیده خاطر شوند.

۴- آقای رئیس جمهور استفاده از قرآن، نهج البلاغه، آیات و روایات در حد شاهد آوردن و ترجمه، امر مطلوب و مناسبی است، اما تفسیر، تأویل و تطبیق بر مصادیق علمی تخصصی است که باید سال ها نزد استاد زانو زد و آن را فراگرفت.

اگر یک روحانی که پزشک متخصص قلب نیست، در خصوص قلب اظهار نظر نموده و برای جراحی قلب، دست به تیغ شود، بیمار بیچاره به چه سرنوشتی دچار خواهد شد!!!

اگر مفسر قرآن نباشید و تخصص نداشته باشید، ممکن است با برداشت نادرست و بیان نادرست، موجب انحراف در جامعه و مصداق تفسیر به رأی و واکنش قرآن پژوهان در ایران و کشورهای اسلامی شوید .

برداشت شما از این حدیث را حتی پوزیویست های تجربه‌گرا، قبول ندارند که گفتید کتاب در این حدیث یعنی تجارب و دستاوردهای بشری

إمام حسین علیه السلام فرمود: فَلَعَمْرِي، مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ ، الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ، الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ[OBJ].....

مسعود پزشکیان صبح امروز یکشنبه 31 خرداد 1405، در سی‌وسومین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی با گرامی‌داشت یاد شهدای جنگ تحمیلی اخیر، با اشاره به پیامی از امام حسین (ع) پیش از حرکت به کربلا اظهار داشت: امام باید عامل به کتاب، قائم به قسط و دائن به دین حق باشد؛ امام وظیفه دارد بر اساس شواهد و کتاب عمل کند، عدالت را در جامعه پیاده سازد، حق را برپا کند و راه درست را نشان دهد. تمام دغدغه ما در دولت، تحقق عدالت و عمل به کتاب است و «کتاب در زبان امروز، همان تجربیات، دانش و علمی محسوب می‌شود که بشر در جهان به آن دست یافته است.»

آقای پزشکیان، خدا وکیلی کجای عالم، قرآن که در این روایت کتاب از آن یاد شده است، به تجربه‌های بشری تفسیر شده است.

این تعبیر بسیار خطرناک است و موجب انحراف جوامع و تحریف و تغییر قرآن می‌شود اگر او را دستاورد بشری بخوانیم.

از این موارد زیاد در سخنرانی‌های شما مشاهده می‌شود. لذا پیشنهاد می‌گردد:

الف) از ورود به مباحث تخصصی، که سر رشته‌ای ندارید، خصوصاً مسائل دینی و اعتقادی، جداً پرهیز نمائید.

ب) آیات و روایات را از روی متن بخوانید و به حافظه خود اکتفا نکنید و بیشتر از ترجمه را به اهلش واگذار نمائید.

ج) سعی کنید برای سخنرانی متن تهیه کنید و از روی متن مطالب را، بیان کنید و آیات قرآن را، از تفاسیر معتبر قرآن با آدرس منبع بیان کنید، که در این صورت میزان خطا بصورت قابل توجهی کاهش پیدا می کند.

۵ - آقای پزشکian آیا شعار وفاق، یک آرزو و تحقق نایافتنی است؟

یکی از کلمات پر کاربرد در دولت چهاردهم، کلمه وفاق است که برخی از آن به عنوان یک شاهکار دولت یاد می کنند، ولی وفاق، سیمرغی است، که در حد افسانه و آرزو باقی مانده است.

رئیس حزب کارگران سازندگی در پارک گهر سیرجان، حرف درستی به آقای پزشکian گفت، که وفاق شما، در حد یک آرزوست و آن را در حد قفس حیوانات که در یک جا جمع شده بودند، با جمله، این حیوانات وفاق شما را جدی گرفتند، وفاق را به سخریه گرفت و آن را در حد جامعه حیوانی تنزل داد!!!

شعار وفاق بدون پشتوانه، شعاری تو خالی است. منظور شما محور وفاق چیست!!؟

اگر وفاق حول محور (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) باشد، وحدت تحقق پذیر و عملیاتی است، ولی ظاهراً منظور شما وفاق حول محور توحید نیست، چون بارها گفتید: در این وفاق، دیندارها، بی دین ها، با نمازها، بی نمازها، با حجاب، بی حجاب، انقلابی ها، ضدانقلاب ها، فتنه گرها، مدافعین، مهاجمین، و..... همه بیائید دور هم جمع شوید!!!

این وفاق نیست بلکه اجتماع اضداد است و نقطه شروع اختلاف و جدایی.

اگر منظورتان این است، هر آنچه ما می گوئیم حول آن جمع شوید و اعتراض نکنید، اختلاف سلیقه در کشور ۹۰ میلیونی، امری انکارناپذیر است که مانع وفاق به این معناست!

شما چاره ای ندارید، وفاق را به معنای وحدتی تعریف کنید که امام شهیدمان و رهبر عزیزمان حول محور باورها و ارزشها، یعنی جمهوری اسلامی ایران تعریف کردند و الا هرچه غیر آن برای وفاق بگوئید شکننده و اختلاف انگیز خواهد بود.

مردم ایران مسلمانند و به اسلام وفادارند حتی ادیان توحیدی. بنابراین، محور وفاق و وحدت، اسلام و توصیه‌های دین است و بس.

وحدت باید از سرچشمه یعنی دولت نشأت بگیرد، لذا دولت می‌تواند وحدت بخش باشد، به شرطها و شروطها:

الف) در دولت آدم‌های کاری و عملیاتی که متخصص هستند، به کار گرفته شوند.

ب) از به کارگیری افراد سیاسی کار جداً اجتناب شود، چند نفری که تعدادشان به اندازه انگشتان دست است، در دولت حاشیه سازند، کافی است، کشوری را به هم بریزند. معاون اجرایی، سخنگو، معاون اطلاع رسانی، رئیس شورای اطلاع رسانی و.....، از بکارگیری حاشیه سازان وحدت شکن پرهیز نمائید.

آقای پزشکيان، بهترين برادر، براي شما کسی است که عیب شما را به خودتان بگوید. خداوکیلی، چه نبوغی در رئیس بانک مرکزی سراغ دارید که اصرار دارید، اقتصاد کشور را به او بسپريد، مجلس با استيضاح ایشان، پیام ملت را به گوش شما رساند، متأسفانه شما علی‌رغم پیام خانه ملت، مبنی بر ناکارآمدی و عدم صلاحیت آقای همتی، ایشان را بر مصدر بانک مرکزی، منصوب نمودید و اصرار دارید وفاق یعنی هرچه ما کردیم و گفتیم، شما سکوت کنید و دم نزنید، حال که دلار از مرز ۲۳۰ هزار تومان گذشته، اگر توجیه جنگ و محاصره دریایی نکنید، چه پاسخی دارید!!!!

آقای پزشکيان، وفاق جاده دوطرفه است، نمی‌شود با اقدامات یک‌جانبه و یک‌طرفه، دم از وفاق زد و سخن مخالف را نشنید.

شما می‌گوئید همین جا که ایستادم، محور زمین یعنی اصلاح طلبانند، هر کس باورش نیست، متر کند!

پژواک صدای شما و اطرافیان در کاخ زجاجی همه‌اش، به به و چه چه است، این حباب شیشه‌ای را بشکنید یک سر در تجمعات خیابانی امت مبعوث بزنید، که قریب به ۲۰۰ شب در خیابان، مشغول پاسداری از دستاوردهای جنگ سوم هستند، که متأسفانه همکاران شما در این تجمعات امت مبعوث دیده نمی‌شوند.

البته لازم است از برخی وزیران که سرشان به کار خودشان است و از سیاسی کاری پرهیز می کنند خصوصاً معاون پرتلاش، انقلابی، مخلص و بی حاشیه، کمال تشکر را داشته باشیم ای کاش همه دولت، نظیر دکتر عارف بود که حقیقتاً عارف همه دولت است.

آقای مسعود پزشکیان، آن چه در تجمعات خیابانی، شب ها مشاهده می شود، نارضایتی از دستگاه دیپلماسی خصوصاً از ریاست آن است، که بنظر می رسد حضرت عالی هم این ضعف را در دستگاه دیپلماسی، مشاهده کردید که مجبور شدید، دیپلماسی مذاکره را بر خلاف عرف رایج، به رئیس قوه مقننه بسپرد. در هر صورت، لازم است در خصوص وزیر امور خارجه تجدید نظر بفرمائید، تا فردی قوی تر و کارآمدتر که آمریکا از او بترسد و حساب ببرد، انتخاب نمائید.

اگر کسی شبهه کند، که این تجمعات خیابانی، همه ملت نیستند، در پاسخ باید گفت، بله درست میگوئید، این ها، همه ملت نیستند، این ها جمعی دلسوز، دغدغه مند، که استوار پای نظام و جمهوری اسلامی ایستادند. نظیر پادگانی است که هزاران نفر در آن سرشان به کارشان مشغول است، ۵۰ نفر نگهبان این پادگان هستند، گرچه این ۵۰ نفر همه پادگان نیستند، ولی مواظب همه پادگان هستند، نباید این پیشگامان و پیشمرگان جمهوری اسلامی را نادیده انگاشت و دست کم گرفت، این ها معجزه قرن و پدیده الهی هستند، که به فرمایش رهبر عزیزمان، بهترین های عالم هستند (مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا).

۶- آقای رئیس جمهور راستگوئی خوب و ممدوح است، آیا باید هر راستی را هم گفت؟

شما بین همکاران تان به تواضع، صداقت و سادگی مشهورید، این صفات در جمع دوستان پسندیده مطلوب است اما در مقابل دشمنان هرگز.

شما از الفاظی نظیر نمی توانیم، نمی شود، نداریم، نیست، برق نداریم آب نداریم، زیرساخت هایمان را زدند، محاصره ایم، بنزین کم داریم، راهها بسته است، ما نمی توانیم، هر کس، می تواند بیاید وسط و..... این ادبیات از تربیون عمومی که همه جهان اعم از دوست و دشمن می شنوند، به صلاح نیست، چون دوستان را مأیوس و دشمنان را جریح و امیدوار می سازد. علی فرض این که، این مطالب، درست

باشد، نباید از تریبون عمومی که همه دنیا صدای شما را می‌شنوند، پالس ضعف به دشمن داده شود، کد ضعف به دشمن، صداقت نیست مضافاً خلاف سیره امامین انقلاب و رهبر عزیزمان است، روایات متعددی مبنی بر جواز دروغ به دشمن داریم. اولیای الهی، کلام شان این بود «ما می‌توانیم». باید ادبیات (نیست، نمی‌شود، نمی‌توانیم، نداریم، کم داریم، وضع خراب است، دشمن همه جا را زده است، کارخانه‌ها تعطیل است و..... از ادبیات دولتی‌ها کنار گذاشته شود) اصلاً هر چه تولید یأس و نومیدی می‌کند باید کنار گذاشته شود. دولت باید بمب امید، انرژی و نشاط باشد، یاس و نومیدی را ببرید سوی دشمن.

اعلام علنی نارضایتی از صداوسیما جمهوری اسلامی هم وحدت شکن است هم خلاف مصالح ملی، کسانی که زیر بمب و موشک آمریکا، هرگز نگذاشتند آنتن رادیو و تلویزیون قطع شود، ساختمان شیشه‌ای را روی سر آنها خراب کردند ولی آنها شجاعانه ایستادند. آقای رئیس جمهور تلویزیون ملی است نه دولتی، علی‌رغم این که اکثر برنامه‌های اختصاص به دولت، خدمات دولت و پخش برنامه‌های تهیه شده در دفتر حضرتعالی است، اعلام این که، من برنامه‌های صداوسیما را نمی‌بینم، یک نوع پشت به خورشید کردن است، خودتحریمی و محروم سازی از سند افتخار جمهوری اسلامی است. حقیقتاً جبهه جنگ ۴ رکن دارد: میدان، مردم، صداوسیما، دولت. نادیده انگاشتن هر یک، سر شاخ نشستن، بُن بریدن است. رجزخوانی صداوسیما، امیدوارسازی واقعی، انعکاس اخبار جنگ در لحظه، تحلیل صحیح وضعیت دشمن به‌روز، واقعاً بی‌نظیر بود. صداوسیما با امر رهبر عزیز باید صدای ملت باشد نه حزب و جناح خاص ولو آن جناح در دولت جای گرفته باشد.

به‌نظر می‌آید، صداوسیما در میان ارکان چهارگانه (میدان، مردم، دولت) نقش سر دارد نسبت به بدن، نخ تسبیح انسجام مردم، میدان و دولت است نقش اجزاء رئیسه را نسبت به سایر اجزاء دارد، پس همه و همه باید سپاسگذار و شکرگذار مسئولین و دست‌اندرکاران صداوسیما بود نه طلبکار آنها. انشاءالله حضرتعالی هم گلایه خود از صداوسیما را اصلاح نموده و حمایت کامل و جانانه خود را از تنها رسانه جهانی مقاومت و حقگو اعلام نمائید.

حسین جلالی

همکار ۴ ساله شما در مجلس یازدهم شورای اسلامی

۲۴ شهریور ۱۴۰۵